

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج محمد حیدر اختر

۱۲ جنوری ۲۰۱۴

میلاد با سعادت پیغمبر بزرگوار اسلام حضرت محمد مصطفی (ص)

بلغ العلی بکماله کشف الدجی بجماله
حسنه جمیع خصاله صلوا علیه و آله



امشب سخن از جان جهان باید گفت

توصیف رسول انس و جان باید گفت

در شام ولادت دو قطب عالم

تبریک به صاحب الزمان باید گفت

در حدود هزار و چهار صد سال قبل از امروز در سرزمین عرب، در میان کوهپاره های پراز سنگ و ریگ سوزان و هم چنان در میان مردمانی که به دور از تمدن و آداب انسانی حیات به سر می بردند ، طفلی به روز دوازدهم ربیع الاول در یکی از خانواده های قریش به دنیا آمد که نامش را محمد گذاشتند . تولد این طفل نوزاد دل تیره و سیاه این سرزمین کهن را به نور توحید و معرفت روشن ساخت .

این طفل نوزاد مهر پدر را هرگز ندید و هنوز چندی در آغوش گرم مادر مهربانش نیاسوده بود ، که مادر را هم از دست داد و سرپرستی او را پدرکلانش، عبدالمطف به دوش گرفت ، آن هم زیاد دوام نکرد و عبدالمطلب هم جهان فانی را وداع گفت و محمد نزد کاکایش ابوطالب ماند.

دوره طفولیتش روز به روز سپری می شد و هم لطف الهی در هر لحظه شامل حالش بود، تا به سن جوانی رسید. نظر به صداقت و امانت داری که داشت زبانزد خاص و عام گشت و مردم شهر امینش لقب دادند. او به علاوه آن که در اجتماع مصروف کار بود شب ها دور از چشم مردم شهر در غار حرا می رفت و به پیدایش کائنات فکر می کرد تا اصل و مبداء خلقت را بیابد هر لحظه که به نور خورشید متوجه می شد و یا در پرتو درخشان ماه و چشمک زدن ستارگان نگاه می کرد، مظاهر قدرت و جمال هستی را مشاهده می نمود.

از جانب دیگر زمانی که می دید خانه ای را که ابراهیم خلیل برای عبادت و نیایش بنا نهاده بود پر از سنگ و بت های دست ساخته عرب ها قرار گرفته است، سخت ناراحت می شد.

بالاخره در چهلمین بهار زندگی، هنگامی که در غار حرا مشغول تفکر و به عبادت مشغول بود حالت غیر عادی برایش رونما گشت و در مقابل خود فرشته ای را دید که با یک بزرگی و جلال ایستاده و دستور می دهد که بخوان.

محمد که تا آن زمان روی کتاب، مکتب و مدرسه را ندیده بود و هرگز نزد آموزگار و مدرسی جهت فراگیری علم



زانو نزده و چیزی نیاموخته بود چطور می توانست پیام الهی را

بخواند با بسیار ترس و لرز اظهار داشت که من خوانده نمی توانم.

فرشته باز هم صدا زد بخوان و باز هم محمد گفت من نا خوانم فرشته

محمد را در آغوش گرفته فشار داد و گفت بخوان!

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ.

بعد از قرائت این آیه مبارکه حضرت محمد (ص) دانست، که این فرشته

پیام خدا را برایش آورده و مسؤولیت بزرگی را در مقابل خود دید و

دانست که او تنها کسی است که بشریت را از این جهل و نادانی نجات

داده می تواند. از همان لحظه تصمیمش را گرفت گوشه تنها و انزوا را

گذاشته در میان مردم ظاهر گشت تا پیام الهی را به مردم برساند و به

بدبختی های عرب و عجم خاتمه بخشد مأموریت داشت تا سیر تاریخ را

عوض کند و مانند ابراهیم خلیل الله بت هائی که در کعبه قرار داشت از بین ببرد و خانه خدا را پاک و منزه سازد.

این تصمیم برای حضرت محمد (ص) در آن ایام کار آسانی نبود زیرا عرب های آن زمان مردمانی بی رحم و

سنگدل بودند. بت پرستی در اعماق خون شان ریشه کرده بود. ولی به هر صورت پیغمبر خدا وظیفه داشت تا برای

رسیدن به هدف، همه این مشکلات را نادیده بگیرد و به انجام مسؤولیتی که برایش سپرده شده بود آغاز نماید و آن

مسؤولیت عبارت بود از دعوت مردم به سوی توحید و معرفت و یکتا پرستی.

حضرت محمد (ص) مردم عرب را به دین مقدس اسلام دعوت کرد. ولی اکثراً به انکار و استهزاء مواجه شد اما

ایشان از عزم خویش دلسرد نگردید، حتی بعضی به آزار و اذیت ایشان پرداختند ولی وی در مقابل به گشاده روئی

برخورد می کرد و همه آزار و اذیت مردم را نادیده می گرفت و هیچ گونه خللی در تصمیمش راه نیافت با سنگینی

و متانت تمام به دعوتش ادامه می داد. بار بار از دست طفلان و زنان ناهنجار دست و پایش پر خون شد ولی او در

برابر همه زشتی ها صبر و حوصله را از دست نداد. سران قوم عرب با پیشکش نمودن هدایا و پول خواستند تا جلو

دعوت آن حضرت را بگیرند ولی موفق نشدند زیرا حضرت محمد (ص) با احترام کامل به سران قوم عرب فرمود:

که اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپش بگذارند هرگز از تصمیم خویش منصرف نخواهد شد. به اثر

سعی و تلاش صبر و حوصله، آن حضرت توانست تعداد کثیری از مردم عرب را به شمول جوانان پیران و خانم ها

به دین مقدس اسلام مشرف بسازد.

حضرت محمد بعد از سیزده سال نظر به مشکلاتی که مردم قریش به وی و طرفدارانش ایجاد می کردند، ساحه را برایش تنگ ساخته بودند، ناگزیر شد زادگاهش را ترک نموده راه مهاجرت را به صوب یثرب یا مدینه منوره امروزی در پیش گرفت و در یثرب اساس جمعیتی را آماده کرد که توانستند در مدت کمی نور توحید و ایمان را به دورترین نقاط دنیا انتشار بدهند.

حضرت محمد (ص) در طول مدت بیست و سه سال رسالتش کار های بنیان گذاری را انجام داد. تمام قبایل عربی را که با همدیگر دشمن بودند به یک ملت واحد اسلامی مبدل نمود، گروه های بت پرست را در پرتو ارشادات خداوندی به یک گروه یکتا پرست تبدیل نماید، روش جاهلانۀ قبیله ئی را به یک نیروی شرافتمند به اساس برادری و برابری اسلامی تنظیم نمایند.

روز میلاد حضرت محمد (ص) از پرافتخار ترین روزهای تاریخ در جهان اسلام می باشد و بر ما مسلمانان لازم است تا در استقبال از این روز فرخنده بکوشیم تعالیم و هدایات او را تعقیب نمائیم. در خاتمه سعادت، خوشبختی، و یک پارچگی جهان اسلام و آسایش مردم افغانستان را در پرتو تعالیم اسلامی از بارگاه ایزد متعال آرزو می بریم.

ای جبینت صفحه آئینه عرفان ما

بیت ابروی تو حسن مطلع دیوان ما

گر وجود عالم آرایت نباشد در میان

نیست در مکتوب هستی جز عدم عنوان ما

بیت معمور یست یارب از حوادث برکنار

چار دیوار غمت یعنی دل ویران ما

ساغری خواهم به بزم تا چو مینا در سجود

خون دل آرام به جوش ای آتشت در جان ما

داغ عشقت از جهان بردیم تا صحرای حشر

با همه آلودگی ببند گل دامن ما

کور اگر گردیم هم هرگز نمی آید بیرون

رفتن خار از رخت بر چشم چون مژگان ما

لذت صومت گوارا تر ز رزق مریمی

قرة العین صلوتت یوسف کنعان ما

مانعت درکار «بسمل» چیست بسم الله کن

ای رحیمت خواننده در قرآن به ما رحمن ما

«استاد محمد انور بسمل»